



متزلزل می‌کند، بر بخش دولتی همانند بخش خصوصی تأثیر می‌گذارد و در حالی که گاهی با فرآیند ملی‌زدایی (یا خصوصی‌سازی) شرکت‌ها و شبکه‌های دولتی مطابقت دارد، ولی نباید آن را با خصوصی‌سازی اشتباه گرفت. انسان می‌تواند در بخش خصوصی، همانند بخش دولتی مقررات‌زدایی کند. از این گذشته، اگر خصوصی‌سازی شرطی کافی برای ورود به مقررات‌زدایی باشد (زیرا خیلی‌ها مانند یک مذهب وارد آن می‌شوند) ولی در واقع، کاری ضروری نیست.

ورود این فرضیه‌های مفهومی، فرآیند فوق را در شرایط گسترده‌تر شیوه‌های جدید مدیریت نظام‌های ارتباطی، و فراتر از آن، در شیوه‌های تازه جامعه سازماندهی قرار می‌دهد. زیرا با سوق دادن مرکز ثقل جامعه به سمت بازار، جهش و دگرگونی شدید اصول سازمانی و ساختار شرکت‌ها و شبکه‌ها، سلسله مراتب و مقیاس اولویت‌های عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درگیر را دوباره تقسیم و توزیع می‌کند.

طرح مقررات‌زدایی، در واقع پیشنهادی برای ترتیب دوباره فضای همگانی است. به همین دلیل، این امر مستلزم تعریف مجدد مفهوم بیان آزاد است: بیان آزاد شهروند، وارد حیطه رقابت مستقیم با بیان آزاد تجار می‌شود. اجرای این طرح اجتماعی با تنش مداوم بین قانون تجربی بازار و هنجارهای حقوقی، بین اندیشه حاکمیت مطلق مصرف‌کننده - به عنوان موضوع رقابت و در عین حال ضامن تجارت و شرکت آزاد - و اندیشه اراده حاکم شهروندان، که به وسیله مجالس انتخابی آنها تضمین شده، در نوسان است. اگر از این زاویه فرآیند خصوصی‌سازی را نگاه کنیم دیگر نمی‌توان به عنوان راهی برای کنار گذاشتن فعالیت‌ها و وظایفی که به حکومت داده شده بود تا برای بازیافتن حسی از فرآیند اجتماعی جهانی بر بخش خصوصی اعمال کند، ارزیابی کرد.

مفهوم خصوصی‌سازی، نه کمتر و نه بیشتر، گسترش اصل ارزش به محدوده‌های زندگی فردی و جمعی است که بیشتر نسبت به منطق بازرگانی قیمت‌گذاری دولتی تا حدی بی‌اعتنا مانده بود. کاهش واقعی و مجازی آزادی، یا استفاده استعاره‌ای از واژه‌های پسرطمطراق و بی‌معنی در مقررات‌زدایی شبکه‌های ارتباطی، هدف و پایانی برای

مقررات‌زدایی در رسانه‌ها

آرماند ماتلار
ترجمه: علی کسمایی

بین‌المللی کردن، دیگر مانند گذشته نیست. این کار، تا دیروز به گستره دادوستد و تراز پرداخت‌ها در محصولات فرهنگی محدود می‌شد؛ اما امروز به ساختار نظام‌های ارتباطی حکومت‌های ملی حمله می‌کند. آشنایی و هماهنگی روزافزون با هنجارهای شبکه‌سازی جهانی سبب ظهور مرحله‌ای تازه در ساختار دنیای رسانه‌ها شده است. راز ورود به این رژیم جدید حقوقی، اقتصادی و سیاسی در یک واژه خلاصه شده است: مقررات‌زدایی.

ابهام این مفهوم از محل و روش پیدایش آن ناشی می‌شود: امریکای اقتصاددانان و سیاستمداران نئولیبرال در زمینه و شرایطی که مساعد دولت کوچکتر است. برخلاف تصور، این وضع مولود تحولاتی خود به خودی نیست؛ بلکه نتیجه اراده سیاسی است. ضمن این که مقررات‌زدایی، نه به مفهوم فقدان مقررات، بلکه به معنای جست‌وجویی برای جایگزین کردن مقررات متفاوت است.

فرآیند مقررات‌زدایی، مجموعه شبکه‌ها را - خواه تبلیغاتی، سمعی و بصری، و یا ارتباطات -

تعرفه‌های برابر است. ضرورت نزدیک شدن به هزینه‌های واقعی، اصل جبران خسارت برای نابرابری‌ها و فاصله‌های بین استفاده‌کنندگان اصلی و بخش‌های حاشیه‌ای، شهری و روستایی، ساکنان شمال و جنوب، قشرهای توانگر با ارتباطات مالی‌شان، و توده‌های مطرود و تنها مانده را تحت‌الشعاع قرار داده است. تنش بین آزادی و همبستگی و گفت‌وگو برای آزادی فردی، مانع از گفت‌وگو از برابری اجتماعی می‌شود. شرحی که یک روزنامه‌نگار مجله «تایم» در این مورد می‌دهد نظر رسمی آمریکا را دربارهٔ مقررات زدایی، خیلی خوب بیان می‌کند:

از همان ابتدا، احساسات آمریکایی‌ها بین ارزش‌های آزادی و برابری دچار کشمکش بوده است. در زمان فرانکلین روزولت، و چند نسل پس از آن، تمایل رسمی آمریکا موافق برابری بوده است. در دوران ریگان، ارزش آزادی، گاهی در برابر و به بهای غرایز ملایم‌تر خود را تحمیل کرده است... آزادی برنده شدن... نمایشی دارویی.

وطن نئولیبرال

در چنان نسبت‌هایی، همه چیز به‌ویژه از ایالات متحده آغاز شد. «سیستم‌های بل» شبکه تلفن آمریکا، متعلق به «ای.تی.اند.تی» (تلگرام و تلفن آمریکا) پس از ۱۰۷ سال خدمت خوب و صادقانه تجزیه شد. روز اول ژانویه ۱۹۸۴ پس از دعاوی حقوقی طولانی ضدتراست دولت، شبه انحصار فوق از هم پاشید، این، آغاز یک دوره جدید نبود، بلکه قطعاً پایان دوره‌ای قدیمی بود که یک انحصار خصوصی می‌توانست ۸۰ درصد خطوط تلفن را به دست آورد و عملاً به عنوان یک خدمت نیمه عمومی عمل کند.

اگر بخش ارتباطات راه دور حقیقت را بپذیرد، اینجا جایی نیست که مقررات زدایی آغاز شد. پیش از ۱۹۸۴ مقررات زدایی از نظام بانکی (که در آنجا مقررات زدایی از ۱۹۷۰ شروع و در ۱۹۷۵ که کمیسیون سهام و بورس دستور داد شیوهٔ حق‌الزحمه ثابت دلالتی برای معاملات بازار سهام خاتمه یابد، تسریع شد) و سپس شرکت‌های هواپیمایی (در سال ۱۹۷۸ هیأت هوانوردی کشوری (CAB) به شرکت‌های هواپیمایی آزادی بیشتری برای قیمت‌گذاری و دسترسی آسان‌تر به مسیرهایی که قبلاً از آنها استفاده نمی‌شد، داد) حمل و نقل

جاده و خط آهن (در سال ۱۹۸۰ قانون خط آهن Stagers آزادی ترازهای در زمینه قیمت‌گذاری به شرکت‌های راه‌آهن داد) و در نهایت حمل و نقل بین شهری (۱۹۸۲)، شروع شد.

ربع قرن مقررات زدایی در ارتباطات

بنابراین، در حقیقت فرآیند مقررات زدایی به‌طور مداوم ادامه داشته و هر سال، قانون تازه‌ای در زمینه مقررات زدایی وضع شده است. برای مثال، در ارتباطات این کار یک ربع قرن ادامه داشته، و در بانکداری بیش از بیست‌سال در جریان بوده است. هر سال نیز شاهد انبوه اعتراض‌ها نسبت به قدرت مقررات‌زدایی‌های سال‌های قبل بوده‌ایم.

نخستین نشانه‌های اعتراض در پایان سال‌های دهه ۱۹۵۰، به شکل تحقیقات نظری دربارهٔ مشروعیت مداخله حکومت، آشکار شد. زمینه ویژه تحقیق حمل و نقل، به ویژه مقررات شرکت‌های هواپیمایی بود.

لحن بحث‌های اعتراض، که توسط اقتصاددانان و محققان سیاسی تعدیل شده، هرگز تغییر نمی‌کند: قانون، مانع از انجام وظیفه مقررات بازار می‌شود، این امر، باعث عدم کارایی و ایجاد وقفه در نوآوری تکنولوژیک می‌شود و به نفع گروه‌های فشار و به زیان مصرف‌کنندگان است.

با کاهش موقعیت دولت رفاهی، این نظریه دانشگاهی حالتی دوگانه خواهد یافت. این مباحث نمونه که با نفوذ فزایندهٔ مکاتب اندیشهٔ وین (فون‌هایک) و شیکاگو (میلتون فریدمن) نئولیبرال تقویت شده‌اند، توسط یک سازمان تحقیقاتی خصوصی یعنی «مؤسسه آمریکایی تحقیقاتی سیاست عمومی»، - سازمانی که بی‌شبهت به مؤسسه «آدام اسمیت» در انگلستان نیست - پیگیری شده، شرح و بسط داده شده، و سخاوتمندانه دربارهٔ آنها تبلیغات شده است.

اقتصاددانانی که به نفع مقررات زدایی فعالیت می‌کنند به بررسی مقررات نوآوری در صنعت داروسازی، مقررات معیارهای ایمنی در محصولات غذایی، محیط زیست، شرایط کار، و صنعت سمعی‌بصری (همهٔ این صنایع، مقررات فوق را مزاحم خود می‌دانند). پرداخته‌اند.

هدف آنها، تلاش در مورد هزینه‌هایی است که بر اثر مداخله‌های بدون دلیل مقام‌های

دولتی به مصرف‌کننده تحمیل می‌شود. مهار جنبش ضد مقررات، با رایحهٔ نیرومند مردم باوری تازه‌اش، در اختیار نئولیبرال‌های حکومت ریگان قرار گرفته بود و انتقاد از آن عمومیت داشت.

فرآیند مقررات زدایی - که قبلاً در زمان فورد رایج و به وسیله کارتر به شدت پیگیری شده بود - حداقل در چند زمینه خاص منحرف، و در زمینه‌هایی که رؤسای جمهوری نئولیبرال‌تر آمریکا آنها را استراتژیک به‌شمار می‌آوردند به کندی متوقف شده است. رونالد ریگان در سال ۱۹۸۲، زمانی که اسلاف او انحصارهای شخصی در ارتباطات راه دور را به باد انتقاد گرفته بودند، شکایت سازندگان کامپیوتر از «آی. بی. ام.» را به‌خاطر شیوه‌های انحصارگرایانه آن رد کرد.

■ فرآیند مقررات زدایی، مجموعه شبکه‌ها را - خواه تبلیغاتی، سمعی و بصری، و یا ارتباطات - متزلزل می‌کند، بر بخش دولتی همانند بخش خصوصی تأثیر می‌گذارد و در حالی که گاهی با فرآیند خصوصی‌سازی مطابقت دارد، ولی نباید آن را با خصوصی‌سازی اشتباه گرفت.

نظر تحلیلگران نشریه «بیزینس ویک» چنین است:

انتظار این بود که مقررات زدایی مبشر دوره‌ای از تولید بیشتر و قیمت‌های کمتر باشد و همینطور هم شد. با فشار دست نامرئی بازار آزاد، بهای بلیط سفرهای هوایی و نرخ مکالمه‌های تلفنی کاهش یافته است. اما گروه کوچکی از شرکت‌ها، به نحو فزاینده‌ای بر بازارهای مقررات زدایی شده تسلط پیدا کرده‌اند. اگر این وضع ادامه یابد، مقررات زدایی ممکن است همان رقابتی را که قرار بود موجب افزایش آن شود به کلی از بین ببرد.

مقررات زدایی از ارتباطات راه دور

استراتژی «دومینو»، فرآیند مقررات زدایی از ارتباطات راه دور را - همچنان که در مورد مناقشه‌ای گفته می‌شود - بیشتر تحت کنترل بین‌المللی در آورده است. دولت ایالات متحده، در چالش شبکه ماهواره‌ای ارتباطی بین‌المللی «اینتلست»، که در ابتدا دارای انحصار در این شکل بخش بوده دهنه‌ر و

■ شخصیت‌های برنامه‌های کودکان، دیگر محصول تخیل سازنده آن نیستند، بلکه مستقیماً از برنامه‌های بازاریابی سازندگان عروسک‌ها ریشه می‌گیرند.

اضطرابی به خود راه نمی‌داد. «اینتلست»، شبکه‌ای است که خود آنها در سال‌های دهه ۱۹۶۰ تشکیل دادند، زمانی که مالکیت انحصاری این تکنولوژی را در اختیار خود داشت، و توانست بیشتر کشورهای دارای اقتصاد بازار را بر محور ابتکاری که عنبیه سیستم «اینتر اسپوتنیک» شوروی تشکیل شده بود، متحد کند.

ریگان در نوامبر ۱۹۸۴، قصد خود را در مورد مجازش کردن شرکت‌های خصوصی ماهواره‌ای به رقابت با این مؤسسه، که نماینده جامعه بین‌المللی ارتباطات راه دور بود، اعلام کرد. تصمیم خصوصی کردن فضا در ژوئیه ۱۹۸۵ قانونی شد. دلایلی که اعلام شد این بود

که در وهله اول، تعرفه‌های «اینتلست» خیلی بالا بود و شرکت‌های بزرگ فراملی، هزینه‌های ارتباطی خود را، به ویژه بین کامپیوترها، مدام در حال افزایش می‌دانستند و در وهله دوم، از رقابت بیشتر بین ماهواره‌های اروپایی که در آن زمان احساس می‌شد، جلوگیری کنند.

۱۰۹ کشور عضو، از ماهواره‌هایی که به وسیله «اینتلست» اداره می‌شود برای ارتباطات بین‌المللی و ۲۷ کشور نیز برای ارتباطات داخلی خود استفاده می‌کنند. این سازمان، دوسوم ترافیک بین‌المللی تلفن و در عمل، تمامی بخش تلویزیونی بین‌قاره‌ای را تأمین می‌کند. زمانی که این سازمان تشکیل شد، تعرفه‌ها چنان تثبیت شد که کشورهای صنعتی، مشتریان اصلی این سیستم، به‌طور غیرمستقیم به پیوندهای کمکی با کشورهای جهان سوم کمک کردند. اصل تعرفه‌های برابر با تصمیم مجازش کردن رقابت توسط سیستم‌های خصوصی، به‌طور علنی زیر سؤال برده شده است.

اما فرستادن ماهواره‌ای به فضا، در صورتی که تأسیسات زمینی لازم برای دریافت امواج آن وجود نداشته باشد، نقض غرض است. این امر، کسب «حقوق فزوده» را در کشورهایی که مستعد به تأمین مشتریان هستند، حیاتی

مقررات زدایی، تیغ دو دم

در طول تاریخ، دولت‌ها جریان و محتوای اطلاعات و ارتباطات را در همه جوامع تنظیم کرده‌اند. اگر چه بعضی از جوامع ارزش آزادی را فراتر از چنین مقرراتی دانسته‌اند، ولی دولت‌ها سیستم‌ها و ساختارهای دیوان‌سالاری سانسور و کنترل را به عنوان راهی برای اطاعت مردم از ارزش‌ها و هدف‌های مذهبی، اجتماعی، سیاسی یا ایدئولوژیک تدوین و به‌مورد اجرا گذارده‌اند.

مقررات دولتی، برای حفظ نظم موجود

مقررات دولتی، همیشه به عنوان عاملی برای ریشه‌کن کردن معیارهای پذیرفته شده دیدگاه‌هایی که برای نظم موجود خطرناک به

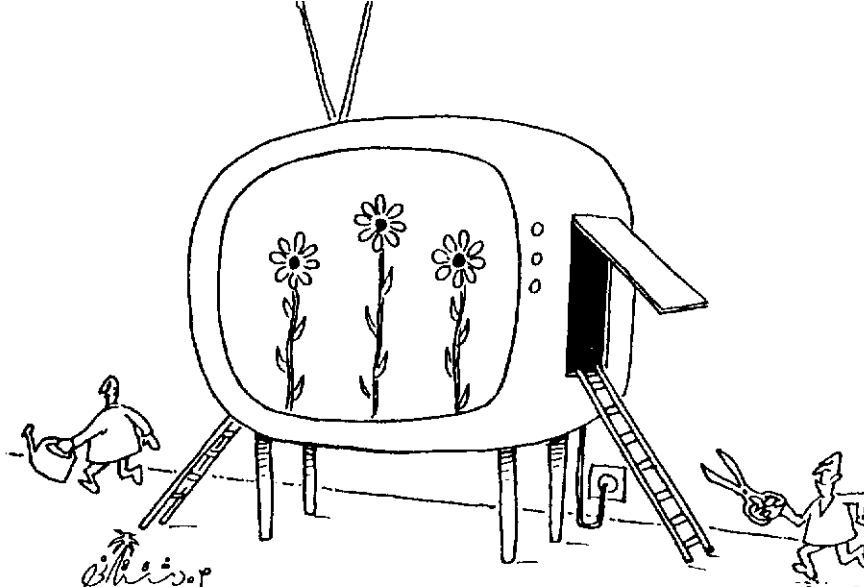
می‌سازد و این متضمن رفع تردید از جانب سازمان‌های ملی پست و ارتباطات است. هدف ارسال نخستین ماهواره بین‌المللی خصوصی بر فراز اقیانوس اطلس، یعنی «پان‌ام‌ست»، دولت انگلیس بود، که قبلاً «بریتیش تله‌کوم» را در سال ۱۹۸۴ خصوصی کرده بود.

پاسخ خانم تاجر، مدتها بعد رسید: در سال ۱۹۸۸ یک آگهی مناقصه خطاب به دست‌اندرکاران خصوصی چنین پیوندهای تخصصی ماهواره‌ای بین‌المللی انتشار یافت. مقررات زدایی سمعی و بصری آمریکا، به‌ویژه افشاکننده آن فلسفه سیاسی است که، فرآیندی را که تمامی زندگی اقتصادی را در برمی‌گیرد زنده می‌کند، و قواعد بازی اجتماعی را تغییر می‌دهد. تناقض قضیه در اینجاست که پرشورترین حامی و طرفدار آن، کمیسیون فدرال ارتباطات (FCC) است، که مأموریت آن از سال ۱۹۳۴ تنظیم امور رسانه‌ها و ارتباطات راه دور بوده است. کمیسیون فدرال ارتباطات، در چارچوب «دولت کوچکتر» یکی از مهمترین ادارات اجرایی در واشنگتن شد و دارای حضوری فعال است. فعالیت‌های روزافزون کمیسیون فدرال، به شدت با شرایط در نظر گرفته شده برای مقررات زدایی

نظر می‌آیند عمل کرده‌اند. مقررات دولتی، همچنین به عنوان وسیله‌ای مناسب برای صنایع ارتباطی امروزی، به‌منظور تضمین محدودیت عملیات افراد و شرکت‌ها در چارچوب مقرراتی که در بردارنده سود متقابل آنها باشد، محسوب می‌شود و به عنوان وسیله حمایت از مردم در مقابل گرایش افراطی در ارائه یک نظرگاه منحصربه‌فرد و تأکید افراطی بر خشونت، هرزگی یا بی‌پروایی در امور جنسی به حساب می‌آید. به علاوه، این مقررات به منزله حمایتی برای دولت در کمک به حفظ رازداری یا محافظت از قدرتمندان در برابر انتقاد یا افشاشدن نیز می‌باشد. هیچ جامعه‌ای، حتی آنها که به شدت به آزادی بیان متعهدند، نمی‌تواند از اجرای مقررات دولتی ارتباطات خودداری کند.

سانسور در رم باستان

در رم باستان، دستگاه سانسور مردم را طبقه‌بندی و شمارش و اصول اخلاقی آنها را



دریخش‌های دیگر منافات دارد. برای مثال، هیأت هوانوردی کشوری آمریکا با اتخاذ شیوه کوچکتر کردن خوبیش، به راستی خود را مقررات‌زدایی کرده است.

جبهه اول سمعی و بصری: حمله به نظریه انصاف

از بیش از نیم‌قرن پیش، اندیشه تطابق با «نیازهای جامعه» باعث شد تا ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون در برخورد با امور مورد علاقه عموم یا موضوع‌های مورد بحث عموم، موضع متعادل و متوازنی در پیش بگیرند و ادا شوند دیدگاه‌های متفاوت و مواضع مخالف را نیز به حساب بیاورند. این نظریه که حق واقعی پاسخ دادن را برای گروه‌های مخالف یا اقلیت به وجود آورده بود، می‌توانست به همین ترتیب در مورد اطلاعات و تبلیغات نیز به موقع اجرا گذاشته شود. برای مثال، در سال ۱۹۷۰ به مخالفان استعمال سیگار اجازه داده شد در کنار شرکت‌های تولیدکننده سیگار نظر خود را اعلام کنند. FCC به این موضوع اعتراض کرد زیرا عقیده داشت که این امر با اصلاحیه اول قانون اساسی که آزادی بیان را تضمین کرده و از مطبوعات در برابر هرگونه مداخله احتمالی برای محدود کردن این حق پشتیبانی می‌کند،

ارزیابی می‌کرد. برای حمایت از رم در برابر اخلاق ستیزی و خیانت سیاسی، نهاد خبرچین‌های عمومی ایجاد شد. دستگاه سانسور، فلاسفه و آموزگاران خلاق را تبعید می‌کرد و هنرمندانی که در نمایش‌های خلاف‌بازی می‌کردند، تابعیت خود را از دست می‌دادند. دستگاه سانسور، ورود هنرها و نوشته‌های یونانی به رم را از طریق کنترل رفت و آمد افراد تنظیم می‌کرد. در مقابل، یهودیت، مسیحیت، و اسلام با قوانین امپراتوری در حال انقراض رم به مقابله برخاستند، و همگی از شرکت در شیوه بت‌پرستی کثرت‌گرایانه آن خودداری کردند. هر یک از این ادیان با آوردن متونی از شریعت، شیوه‌های خاص خود را از طریق گرایش به فرقه‌گرایی و کارهای ارتدادی تنظیم کردند.

با این حال سیستم‌های سانسور مذهبی و سکولار بر مبنای ممنوعیت مجاز - که حتی امروز نیز آشناست - در مناقشه‌های بین علوم جدید و مذهب در طول سده‌های دوازدهم و

منافات دارد. FCC برخلاف نظر کنگره، این تفسیر را در اوت ۱۹۸۷ وارد دانست. برای درک شکل‌های گسوناگون مقررات‌زدایی در حیطه محصولات سمعی و بصری و تبلیغات در آمریکا، دانستن این نکته مفید است که مقررات فدرال از همان آغاز فعالیت صنعت تبلیغات در آمریکا، همیشه در مورد صحت و درستی ادعاهای تبلیغات به شدت حساس بود، و بنابراین در مورد رقابت غیرعادلانه و تبلیغات نادرست موضع گرفت. با وصف این، طی مدت ۲۲ سال، یعنی از ۱۸۷۲ تا ۱۹۱۴، تنها قواعدی که بر فعالیت‌های تبلیغاتی حاکم بود آن بخش از قانون اداره پست بود که برای جلوگیری از سوءاستفاده از

پست وضع شده بود. در آستانه جنگ جهانی اول بود که کنگره، قانون کمیسیون تجارت فدرال را، که حوزه مداخله مقامات فدرال را در امر تبلیغات بیشتر کرد، به تصویب رساند. این قانون، اقداماتی را که در تجارت عمومی ناعادلانه و گمراه‌کننده هستند ممنوع می‌کند و شامل موادی است که به تبلیغات اشاره دارد. قبل از این قانون، مقرراتی خاص بعضی از مواد، یعنی قانون مواد غذایی، دارویی و آرایشی در سال ۱۹۰۶ به تصویب رسیده بود که تلاش می‌کرد طرح ادعاهای دروغین را در تبلیغات محصولات غذایی، دارویی، و زیبایی متوقف کند. FCC از زمان تشکیل آن در سال ۱۹۳۴، مسؤول معیارها و ضوابط تبلیغات از

■ دولت‌ها، سیستم‌ها و ساختارهای دیوان‌سالاری، سانسور و کنترل را به عنوان راهی برای اطاعت مردم از ارزش‌ها و هدف‌های اجتماعی، سیاسی یا ایدئولوژیک تحمیل کرده‌اند.

گسترده‌تر اقتدار مدنی فعالیت می‌کردند، از طریق مداخله در تجارت و تولید متون درصدد برقراری سیستم‌های کنترل بودند. فروشندگان کتاب و لوازم التحریر اجازه داشتند صرفاً مواد و وسایل توصیه شده را بفروشند. با آغاز کار چاپ در قرن پانزدهم نظام‌های سانسور مطبوعات با ایجاد سانسور دولتی و مذهبی کتاب‌ها قبل از انتشار، و ممنوعیت پس از انتشار آثاری که سانسور نشده بودند، تقویت و تشدید شدند. شیوه‌های کنترل - با درجه‌های متفاوت - تا انقلاب‌های ملی قرن نوزدهم در بخش‌هایی از اروپا و آسیا ادامه داشت.

دستورالعمل‌های اصلی این تشکیلات ماهرانه و دقیق کنترل فکری و کلیسایی را

سیزدهم سرچشمه‌های قابل شناسایی‌تری دارند. در آن زمان، دانشگاه‌ها میدان‌های کارزار بین عقاید جدید و موروثی بودند. دانشگاه پاریس در سال ۱۲۱۵، آثار «ارسطو» را در زمینه‌های فیزیک و علوم طبیعی ممنوع کرد - اگر چه منطبق او در برنامه درسی دانشگاه باقی ماند و تدریس آثار فیلسوف‌های عرب و ایرانی نیز کنار گذاشته شد. این اقدامات در شرایطی انجام شد که دانشگاه‌ها در بحث‌های جدید پیرامون آزادی آکادمیک درگیر می‌شدند.

تشدید سانسور مطبوعات

دانشگاه‌ها و مقامات آموزشی، - حتی پیش از رایج شدن چاپ - که در چارچوب

طریق دادن جواز برای فرستنده‌های رادیویی و سپس تلویزیونی بوده است.

کمیسون فدرال تجارت (FTC) مرکب از پنج عضو است که توسط رییس جمهوری نامزد و توسط سنا تأیید می‌شوند و شامل دو دفتر اصلی است: دفتر حمایت از مصرف‌کننده و دفتر رقابت. کارکنان دفتر اولی - که به امور تبلیغاتی رسیدگی می‌کند - در آغاز دهه ۱۹۷۰ شامل ۲۵۰ وکیل و ۱۳۵ «کارشناس مصرف‌کننده» بود. در ۱۹۷۲ جنبش مصرف‌کنندگان امریکا توانست حمایت FTC را جلب کند و با توسل به «نظریه انصاف» خواستار دسترسی کلی بر بخش برنامه ضرورت «تبلیغات متقابل» شد. FTC در نامه‌ای از FCC خواسته بود که باید زمان معینی برای گروه‌های طرفدار منافع عمومی و دیگران که می‌خواهند درباره مفاهیم ضمنی آگهیهای تجارتی اظهار نظر کنند اختصاص داده شود، ماهیمی که هرچند از نظر قانونی گمراه کننده یا مطابق نظریه FCC ناعادلانه نیستند اما «ناقص و غیرکامل» به شمار می‌آیند. این ابتکار FTC با استقبال چندانی از طرف FCC و شرکت‌های بخش برنامه روبرو نشد و در نتیجه ادامه نیافت. این امر، مانع از تلاش مجدد FTC در ۱۹۷۳ نشد زیرا در این سال گزارشی با

«شاخص کتاب‌های ممنوعه پاپ پل چهارم» سال ۱۵۵۹ و «شاخص شورای ترنت» (شورای کلیسای کاتولیک رم که به طور متناوب از ۱۵۴۵ تا ۱۵۶۳ در شهر «ترنت» ایتالیا تشکیل شد) که پنج سال پس از آن وضع شد، تشکیل می‌دادند که شیوه‌هایی برای بررسی پیش از انتشار کتابها تعیین و ترتیباتی را برای بازرسی مطبوعات چاپی و محل‌های فروش لوازم التحریر برقرار کردند.

نظریه‌های علمی جدید و همچنین صنعت متغیر و متحول چاپ، فشارهای بسیاری بر این شیوه‌های کنترل و نظارت وارد کرد. ظهور «انسیکلوپدیا» و تغییر شدید ماهیت نهادهای دولتی در قرن هفدهم نیز بر شیوه‌ها و مقررات سانسور اثر گذاشت. سیلی از شاخص‌ها در بخش‌های مختلف اروپا ایجاد شد که در حالی که اجرای آنها غیرممکن بود، اعتراض‌هایی را هم برانگیخت. در حالی که دوره‌های اولیه دانشگاه‌ها وظیفه قضاوت درباره دست‌نوشته‌ها را به عهده داشتند و کلیسا و

عنوان «آگهیهای تجارتی و منافع عمومی» منتشر کرد.

در شماره ویژه‌ای که مجله «عصر تبلیغات» به مناسبت دویستمین سال انقلاب امریکا منتشر کرد علناً به قدرت بیش از حد مقررات حمله کرد:

مقررات دولتی، همیشه پرخرج‌تر از مقررات مردمی است. مقررات دولتی دقیقاً به همان صورتی که کمیسیون بازرگانی بین ایالتی، راه‌آهن را (به کمک مدیران راه‌آهن که به کوتاه‌فکری بعضی از دست‌اندرکاران امروز تبلیغات بودند) سرکوب کرد، تبلیغات را سرکوب خواهد کرد. تبلیغاتی که تحت سیطره شدید و افراطی مقررات باشد نمی‌تواند به قدر کافی سازنده باشد و همچنین هزینه‌های بیشتری خواهد داشت. به این ترتیب، صنعت تبلیغات رهبری را در جنبش در حال ظهور مقررات زدایی بدست گرفت.

جبهه دوم: برنامه‌های کودکان

FCC در سال ۱۹۸۳، مقررات ویژه‌ای را که بر زمان بخش آگهیها در چارچوب این برنامه حاکم بود و همچنین ضرورت جدایی دقیق برنامه‌ها و آگهیهای بازرگانی را علی‌رغم اعتراض‌های شدید گروه‌های والدین لغو کرد.

دولت عامل اجرای قضاوت‌های آنها بودند، نهاد چاپ اوضاع را پیچیده کرد و تفاوت بین دست‌نوشته و نسخه چاپ شده را به شدت افزایش داد. در نتیجه، دانشگاه‌ها به تدریج قدرت قضاوت و اقتدار خود را در این زمینه از دست دادند.

هر شیوه‌ای که برای چاپ و بازرسی تشکیلات چاپ در اروپا تدوین می‌شد تحت فشار تقاضا برای خدمات چاپ فرو می‌پاشید. دولت‌های متوالی در انگلیس از طریق قانون «شرکت‌های ناشر کتاب» از سال ۱۵۵۶ کوشیدند ورود کارآموزان به تجارت چاپ را کنترل و اطاعت آنها را تضمین کنند. سانسور توسط «شورای محرمانه» و به وسیله «حقوق انحصاری سلطنتی» در طول حکومت «هنری هشتم» فروپاشیده بود. دشواری روزافزون پارلمان در کنترل کتابفروشان و ناشران، در طول و پس از جنگ داخلی سال‌های دهه ۱۶۴۰ با دوره سرکوبی شدید پس از بازگشت «چارلز دوم» در ۱۶۶۰ و سپس در سال ۱۶۹۵

در نتیجه، شخصیت‌های برنامه‌ها، دیگر محصول تحویل سازنده آن نیستند بلکه مستقیماً از برنامه‌های بازاریابی سازندگان عروسک‌ها ریشه می‌گیرند.

امروزه، در واقع شخصیت‌های اصلی کارتون‌های جدید، بیشتر عروسک‌هایی هستند که به بازار عرضه شده‌اند یا در آستانه عرضه به بازار قرار دارند. عروسک‌ها، دیگر محصولی ساخته شده از روی قهرمانان یک سریال تلویزیونی یا کارتونی از والت دیسنی نیستند

■ مقررات زدایی، اداره امور

مالی را در دست‌های ارتباطات

و ارتباطات را در دست‌های

اداره امور مالی قرار داده است:

همگرایی دو بخش به شدت

بین‌المللی شده در اوج

تکنیک‌های شبکه، و پیشگام در

فرآیند جهانی کردن بازار.

با منسوخ کردن صدور جواز برای مطبوعات دنبال شد.

سانسور در سده‌های ۱۸ و ۱۹

دولت‌های انگلیس در تعقیب خود برای دست‌یابی به نظم اجتماعی از طریق کنترل مطالب و اطلاعات جنجالی، به شکل دیگری از مقررات - مقررات صنعتی - روی آوردند. در سال ۱۷۱۲، اولین مجموعه از مجموعه‌های «قوانین تمبر» با وادار کردن همه نشریات

■ مقررات دولتی، همیشه به

عنوان عاملی برای ریشه‌کن

کردن معیارهای پذیرفته شده

دیدگاه‌هایی که برای نظم

موجود خطرناک به نظر می‌آیند

عمل کرده‌اند.

بلکه حاصل کار همزمان برنامه تلویزیون و بازار هستند.

به گفته رییس کمیته فرعی مخابرات مجلس سنای آمریکا که در ژانویه ۱۹۸۸ برای کنترل و مهار عوارض مقررات زدایی منصوب شد، بسیاری از برنامه‌های کودکان تلویزیون آمریکا در عمل، به صورت آگهیهای گسترده تبلیغاتی در آمده بود.

علاوه بر این پاییز امسال، چند برنامه پخش شد که عروسک‌های آنها دارای کتف متقابل هستند؛ یعنی به علامت سمعی یا بصری پخش شده از تلویزیون واکنش نشان می‌دهند. این برنامه‌ها نشانه جهشی عظیم در جهت تبدیل هرچه بیشتر برنامه‌های کودک به صورت آگهیهای تجارتي است. همچنان که شاهدیم تعداد آگهیهای تجارتي خطاب به کودکان در طول برنامه کودک مدام افزایش می‌یابد و از طرف دیگر از تعداد برنامه‌های آموزشی خاص کودکان در تلویزیون‌های خصوصی و بازرگانی مدام کاسته می‌شود.

این امر، قابل پیش‌بینی بود. با استفاده از تجهیزات الکترونیکی و بصری جدید که امکان از رمز خارج کردن اطلاعات رمزی شده برنامه‌های تلویزیونی را از راه دور فراهم ساخته، ارتباط بیشتری بین صنعت اسباب‌بازی

خبری به استفاده از ورقه‌های تمبردار کاغذ باعث گرانی شدید این نشریات شد. به این ترتیب، مطالعه روزنامه‌ها به طبقات ثروتمندتر محدود شد. این شیوه با تغییراتی فراوان - پس از دهه‌ها مبارزه بین روزنامه‌های تندروی دارای تمبرهای غیرقانونی و مطبوعات دارای تمبرقانونی طبقه متوسط - تا ۱۸۶۵ دوام آورد. طیف گسترده‌ای از کنترل‌های دیگر نیز به مطبوعات تحمیل شد که از اواخر قرن هیجدهم به بعد، به تدریج کاهش یافت یا حذف شد. (ایهام افترا زدن به صاحبان قدرت، سرانجام از قانون عمومی حذف شد - اگر چه پژواک آن حتی در اواخر قرن بیستم نیز ادامه دارد و به صورت قوانین مدنی سختگیرانه امروزی تکامل یافت - کنترل بر قباح و بازداری رسمی برای انواع شکل‌های رسانه‌ها به جای خود باقی است).

سنت‌های متفاوت سانسور در فرانسه، آلمان و کشورهای دیگر اروپا نیز پا گرفت. در قرن هیجدهم در فرانسه قانونی وجود داشت

و تلویزیون برقرار شده است.

البته، این امر اعتراض‌هایی را برانگیخت و شبکه‌های امریکایی که همیشه مراقب اعتراض‌های انجمن‌های خانواده هستند در مورد این برنامه‌های جدید تعاملی، جانب احتیاط را در پیش گرفتند. اما این وضع، در خارج از آمریکا صادق نیست. در فرانسه، ایستگاه‌های خصوصی تلویزیون، توجه چندانی نشان نمی‌دهند. «لاسنیک» (کانال متعلق به سه غول رسانه‌ای یعنی هرسال - برنوسکنی و سیدو) آماده است برنامه‌ای مجله‌ای را پخش کند که به کودکان مجهز به نوعی اسباب‌بازی به نام «ماتل» اجازه می‌دهد، هدفایی را در صفحه تلویزیون خود پیدا و به آن شنیک کنند. کانال یادشده از فروش این روبات‌های کوچک «ماتل» سود می‌برد و بزودی، کانال اول در مورد خرید Sab Rider از آن پیروی خواهد کرد.

از طرف دیگر، تلویزیون انگلیس بیشتر مقاومت می‌کند و این ایده را مفید نمی‌داند. کسانی که در نئولیبرال‌ترین رژیم‌ها زندگی می‌کنند همیشه نئولیبرال‌تر از دیگران نیستند. بعضی‌ها فکر می‌کنند که تکنیک تعاملی در این سطح باقی نخواهد ماند؛ زیرا هرگز ارائه یک نوآوری تکنیکی تا این اندازه به تغییر در قانون

که براساس آن صدراعظم یا کمک نزدیک به هشتاد سانسورچی که هر یک در رشته‌ای از اطلاعات و مطالب تخصص داشتند، نشریات را پیش از انتشار کنترل می‌کرد. همواره بحث‌هایی شدید درباره مقدار سانسور انجام می‌شد که ماهیت و شدت آن از این سال به سال بعد فرق می‌کرد. آثار «ژان ژاک روسو»، «ولتر»، و دیگران در خارج از فرانسه (هلند، سوئیس، انگلستان) منتشر می‌شد و مخفیانه به فرانسه برده می‌شد. در فرانسه، شاید واضح‌تر از هر جای دیگر، سانسور به نام آموزش انجام می‌شد و سانسورچیان افراد شناخته شده‌ای در موضوع‌های مربوطه بودند و خود را علاقه‌مند به حفظ اجتماع در برابر مسایل ناشناخته، زبان‌بار و ناسدست می‌دانستند. سانسور مطلق‌گرا - آن‌گونه که در امپراتوری مقدس رم اجرا می‌شد - در وسعت و قصد، فرق چندانی با حکومت‌های انحصارطلب و توتالیتر قرن بیستم نداشت. در این دوره، انجمن‌هایی از نویسندگان، دانشمندان و فیلسوفان به

بستگی نداشته است.

اما این امر به‌خاطر آن نیست که تکنولوژی آنجاست که کودکان به دنبالش می‌روند. شیفتگی به سرعت باعث اشباع و سیری می‌شود. در ۱۹۸۵، حدود ۵۰ برنامه با انگیزه‌های تجاری در آمریکا روی آنتن رفت. پنج سال بعد نمایش‌های عروسکی به شدت عقب‌نشینی کردند و بچه‌ها برای نجات «کاپیتان پاور» و «ماتل» حامی مالی او، هیچ



سانسوری که طراحی شده بود تا از بحث سیاسی در خارج از یک گروه تُخبه بسیار کوچک جلوگیری کند یا آن را به عقب بیندازد، معترض بودند.

ناگهان و در مدتی کوتاه، انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه راه را برای مطبوعات کاملاً آزاد باز کرد؛ به طوری که در مدتی بسیار کوتاه ۵۰۰ نشریه جدید انتشار یافت. اما با جان گرفتن دوباره سانسور - به مراتب خفقتان‌آورتر از دهه‌های پیش از انقلاب - مطبوعات به سرعت سرکوب شدند. در زمان امپراتوری «ناپلئون»، تنها یک روزنامه خبری باقی مانده بود که ویزایش و سردبیری آن را خود امپراتور به عهده داشت (۱) در انگلستان ترس از انقلاب باعث تصویب «شش قانون» شد که پارلمان کوشید به وسیله آن جلوی نشریات افراطی و تجمع آزاد را بگیرد. اقدام سرکوبگرانه‌ای که در نهایت ایجاد مطبوعات آزاد را به صورت یک آرمان اساسی آزادی در آورد. رساله «جان استوارت میل» با عنوان «درباره آزادی» (۱۸۹۵) با نفوذترین و



کمکی نکردند! مبارزه برای پخش آگهیهای تجارتي در داخل برنامه‌های کودکان، هنوز راه درازی تا پایان در پیش دارد. در سال ۱۹۸۹ کمیته بازرگانی و انرژی مجلس نمایندگان، باردیگر این موضوع را مطرح و پیشنهاد کرد که کنگره با تصویب قانونی، محدودیت‌هایی را در مورد برنامه‌های کودکان تلویزیون وضع کند. این لایحه به FCC دستور داد تبلیغات بازرگانی را در برنامه‌های کودک تلویزیون به ۱۲ دقیقه در ساعت در روزهای عادی و ده دقیقه در ساعت در روزهای تعطیل محدود کند. ریگان در سال ۱۹۸۸ لایحه مشابهی را رد کرد.

جبهه سوم: نظام متمرکز در حال تغییر

مقررات قبلی به منظور اجتناب از معاملات کاذب در صنعت رسانه‌ها، دارندگان جواز را از فروش فرستنده‌های رادیویی یا تلویزیونی خود در سه سال نخست فعالیت‌شان منع کرده بود. FCC این مقررات ضد قاچاق را در سال ۱۹۸۲ لغو کرد. لغو مقررات دیگری، محدودیت‌های مالکیت فردی را از هفت ایستگاه رادیویی یا تلویزیونی به ۱۲ ایستگاه افزایش داد؛ مشروط بر اینکه مجموع شنوندگان و بینندگان آنها از ۲۵ درصد مخاطبان کشور فراتر نرود.

بسیاری از جوامع تشکیلات دولتی تازه‌ای به وجود آمد تا به تناقض‌های پس از دوره استعمار رسیدگی کند: نهادهای رسانه‌ای که از مبارزه برای آزادی پدیدار شده بودند خود را در معرض تقاضاهای گروه‌های مسلط و طبقات حاکم رژیم‌های جدید یافتند.

مستعمرات ایالات متحده آمریکا، بحثی متمرکز و شیوه‌ی سانسوری را در پیش گرفتند که به آنها امکان داد از مراحل مختلفی که جوامع اروپایی پشت سر گذاشته بودند، عبور کنند و

مؤثرترین متن جنبش قرن نوزدهم در جهت آزادی فکری در جوامع باثبات بود و «خط‌مشی» اثر «هنری جفسون» (۱۸۹۴) تکامل و رشد بحث برای آزادی بیان و اجتماعات را به عنوان هسته‌ی مطبوعات آزاد دنبال کرد.

بعضی از اندیشه‌ها و شیوه‌های کشورهای اروپایی به آمریکا راه یافت. آمریکای شمالی و جنوبی، هر دو شاهد تجاری در شکل‌های جدید مطلق‌گرایی و لیبرالیسم شدند. در

■ مقررات دولتی، به عنوان وسیله حمایت از مردم در مقابل گرایش افراطی در ارائه یک نظریه منحصربه‌فرد و تأکید افراطی بر خشونت، هرزگی یا بی‌پروایی جنسی به حساب می‌آید.

■ هیچ جامعه‌ای، حتی آنها که به شدت به آزادی بیان متعهدند، نمی‌توانند از اجرای مقررات دولتی ارتباطات خودداری کنند.

نتیجهٔ منموس ایجاد این تسهیلات قانونی، که از نزدیک به سهولت و روانی لازم کارها و معاملات مربوط می‌شد، انبوه واقعی تلاش‌هایی بود که توسط شرکت‌های چند رسانه‌ای یا الکترونیکی، از جمله مردوک، وستینگهاوس، واشنگتن پست، کلمبیا، پارامونت، تایمز میورو، ویاکم، و بسیاری از مؤسسات دیگر برای تصاحب شرکت‌های دیگر به عمل آمد. تا سال ۱۹۸۸ یازده شرکت از بیست شرکت مهم پخش، ادغام شده یا مالکان آنها تغییر کرده بودند. در زمینه توزیع فیلم، پس از ۴۰ سال محدودیت که مانع از مالکیت مشترک و همزمان تولید، توزیع و نمایش فیلم می‌شد، شرکت‌های پارامونت، متروگلدوین مایر، و یونیورسال در عرض ۳ سال، ۲۷۰۰ سینما از ۸۰۰۰ سینمای سراسر آمریکا را خریداری کرده‌اند. اهمیت این دستاوردها را تنها در چارچوب برنامهٔ جلب دوبارهٔ نظر مردم که قبلاً به آن اشاره شد، می‌توان درک کرد.

جبههٔ چهارم: تلویزیون کابلی

به موجب قانون خط مشی مربوط به تلویزیون‌های کابلی مورخ ۱۹۸۴، و مقررات زدایی، تعرفه‌ای توسط FCC در ۱۹۸۷، میزان اجاره‌های قابل پرداخت توسط

حتی از آن فراتر بروند. در جوامع اولیه مستعمرات - اگر چه آنها کسانی بودند که از تمصب و اختناق و سرکوب فرار کرده بودند - آزادی بیان و نشر برقرار نشد. اعضای «انجمن مذهبی دوستان» در «ماساچوست» تحت تعقیب قرار می‌گرفتند و نشریات آنها را تعطیل می‌کردند، اما خود آنها از بردباری نسبت به فرقه‌ها و مذاهب دیگر در مستعمرات خودداری می‌کردند. برخلاف حکومت‌های مذهبی کنوخته‌نگران دیگر مستعمرات، «رودآیلند» به عنوان مرکزی برای آزادی عبادت، نیایش و بیان ایجاد شد.

در قرن هیجدهم چند پرونده جنجالی درباره شکایت از ناشران روزنامه‌ها در «واگه‌ها» مطرح شد؛ اما محاکمه «جان پترزجر» برای مقالات ظاهراً وسوسه‌آمیز در «ژورنال نیویورک» و «کیلی» در سال ۱۷۳۴ با شکست مذهبان سانسور خاتمه یافت و این امر به رشد سریع فنر آزادی مطبوعات در آمریکا کمک زیادی کرد. البته قانون عمومی همچنان خیانت، کفر،

مقامات محلی و تعداد کانال‌های اجباری کاهش یافت و هزینه‌های اشتراک، رایگان شد. در ضمن، برای شبکه‌های کابلی هیچ محدودیتی در مورد تمرکز افقی ایجاد نشد، گویی هیچ تعهدی برای رعایت مقررات ضد تراست وجود ندارد. مالکیت ترکیبی بین رسانه‌ها در مواردی خاص (برای مثال تلویزیون کابلی و مطبوعات) مجاز است اما نه در دیگر رسانه‌ها (کابلی و مطبوعات). وظیفه متصدیان محلی برای اداره ایستگاه‌های محلی، چه دولتی و چه تجاری - که عنصری اساسی در توسعه فرستنده‌های کم‌قدرت هستند - تغییر یافته است. در سال ۱۹۸۵ اعلام شد که این وظیفه، ضدقانون اساسی است و با متمم اول آن مطابقت ندارد. چندماه بعد، مصانحه‌ای صورت گرفت که مجدداً می‌توانست در دادگاه‌ها زیر سؤال برود.

آگهی بین‌المللی و ورود ناگهانی سرمایه‌داران

با لغو ممنوعیت‌ها، وال‌استریت (مرکز بورس و معاملات پولی آمریکا) به صنعت سمعی و بصری نزدیکتر شده و عناصر جدیدی وارد صحنه شده‌اند: تشکیلات مالی و مشاوران سرمایه‌گذاری آنها. برنار گویو محقق

آشوب و فتنه با مطالب وقیحانه و خلاف عفت عمومی (چهار هدف کلی سانسور در جهان) را به عنوان شکل‌های افترا و تهمت ممنوع می‌دانست، اما به تدریج دفاع علیه اتهام افترا و توهین به شدت برقرار و تثبیت شد. مطابق متمم اول سال ۱۷۹۱ قانون اساسی آمریکا، کنگره از تصویب قوانینی که آزادی بیان

■ **شدیدترین مورد مقررات زدایی در «بولیوی» بوده است. در سال ۱۹۸۵، انحصار دولت بر اثر فوران ایستگاه‌های خصوصی تحت الشعاع قرار گرفت. طی چندماه، بیش از چهل فرستنده آغاز به کار کردند.**

یا نشر را ممنوع کند، منع شده، و براساس این قانون، به تدریج روساخت گسترده طرفداری از آزادی فردی ایجاد و سانسور قبل از انتشار مطلب، غیرقانونی اعلام شد. در ایالات متحده کنترل‌های دولت به شکل جلوگیری از - برای مثال، ممنوع کردن ارسال انواع خاص اطلاعات و مطالب از طریق سیستم پست آمریکا - انتشار

■ **در رم باستان، دستگاه سانسور مردم را طبقه‌بندی و شمارش و اصول اخلاقی آنها را ارزیابی می‌کرد.**

■ **نظریه‌های علمی جدید و صنعت متغیر و متحول چاپ، فشارهای بسیاری بر شیوه‌های کنترل و نظارت وارد کرد.**

■ **دولت‌های انگلیس در تعقیب خود برای دستیابی به نظم اجتماعی از طریق کنترل مطالب و اطلاعات جنجالی، به شکل دیگری از مقررات - مقررات صنعتی - روی آوردند.**

وزارت مسخبرات فرانسه، پس از سفری مطالعاتی که در اوایل ۱۹۸۶ درباره صنعت رسانه‌های آمریکا انجام داد چنین نوشت:

اهمیت روزافزون اداره امور مالی در مدیریت (خط مشی کنترل هزینه‌ها، تأمین مالی دوباره بدهی‌ها، سود سهام) بر پدیدار شدن نوع جدید مدیرانی تأکید می‌کند که از محتوای نمادین - و عاطفی - شرکت‌های رسانه‌ای فاصله می‌گیرند. در حال حاضر، جان کلوگه در شرکت «مترو مدیا»، یا تام مورفی در شرکت کاپیتال سیتی (ABC) نماینده این گرایش هستند که بی‌شک، چندان درخشان و تماشایی نیست.

اما در نظر فارغ‌التحصیلان تازه دانشگاه‌های «ییل» یا «هاروارد»، که کارکنان این شرکتها را تشکیل می‌دهند، از شیوه کار پیشگامان رادیو و تلویزیون مؤثرتر است.

نتیجه مستقیم همه اینها، رهایی از سلسله مراتب وظایف در داخل شرکت است. گویو ادامه می‌دهد: «در شرکت‌های سمعی و بصری همچون شرکت‌های مسخبرات، کنترل‌کنندگان مدیریت (به ویژه کنترل‌کنندگان هزینه‌ها) و فروشندگان (فضا و خدمات...) در رأس قرار دارند و این به زبان تکنیسین‌ها و کارشناسان محتوای برنامه‌ها امانتد فیلمنامه‌نویسان و

مطالب درآمد. اما قوانین خاص سانسور، مانند «قانون بیگانه و آشوب ۱۷۹۸» و «قانون کامستاک» (آنتونی کامستاک ۱۹۱۵-۱۸۴۴ نویسنده و اصلاح طلب آمریکایی) ۱۸۷۳ - که انتشار مطالب هرزه و مستهجن را از طریق خدمات پستی یا گمرک آمریکا ممنوع می‌کرد - نیز تلاش کردند تا دولت یا جامعه آمریکا را از نشریات مغرضانه و زسان‌بار حفظ کنند. سازمان‌های افراطی و کارگری و همچنین صنعت رسانه‌ها - که می‌کوشیدند مقررات مربوط به اجازه گرفتن از دولت را در مورد رادیو Spectrum لغو کنند - مدام در صدد گسترش محدوده حقوق مربوط به متمم اول قانون اساسی بودند.

سانسور در قرن بیستم

مبارزه‌های اصلی در آمریکا در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ - مانند بسیاری از جوامع دیگر - بر محور دسترسی به اطلاعات دولتی استوار بود. جنجال بر سر انتشار استاد پنتاگون

کارگردانها] است».

و همین مقررات مربوط به «محتوا» است که باعث بیشترین شکایات شبکه‌های تبلیغاتی می‌شود که با «علاقه‌شدید» به ادغام، مواجهه هستند و از شرکت در بازی بورس اوراق بهادار خودداری می‌کنند. رییس آژانس «لئو برنت» که در سال ۱۹۳۵ ایجاد شد و مالک یک شبکه جهانی است می‌گوید:

تنها هدف لئو برنت، ارائه «تبلیغات برتر» است و نه رشد کردن به خاطر رشد. این نظریه و عقیده ماست. مهمتر این که ما نیاز به رشد نداریم؛ چون یک شرکت خصوصی با ۲۰۰ سهامدار هستیم که همگی در همین شرکت کار می‌کنیم. ما به کسانی که درکی از این کار ندارند علاقه نداریم و به دنبال کسانی در خارج از این شرکت نیستیم. تنها رابطه ما با خارج از شرکت، بین ما و مشتریان ماست و ما به کسانی که تنها به وال‌استریت گوش می‌دهند پشت می‌کنیم. شرکت‌های دیگر عمومی هستند، در بازار بورس حضور دارند، هدفشان رشد کردن و افزایش سودشان است، و سهامداران آنها علاقه‌ای به کیفیت تبلیغات ندارند؛ زیرا چیزی درباره آن نمی‌دانند.

آیا آمریکای نئولیبرال، در متزلزل کردن شبکه‌ها و شرکت‌های رسانه‌ای خود زیاده‌روی

■ طرح مقررات زدایی، در واقع پیشنهادی برای ترتیب دوباره فضای همگانی است. به همین دلیل، این امر مستلزم تعریف مجدد مفهوم بیان آزاد است؛ بیان آزاد شهروند، وارد حیطه رقابت مستقیم با بیان آزاد تجارتنی می‌شود.

کرده است؟ به احتمال بسیار زیاد، بله. حداقل، این تصویری است که بیشتر مردم دارند. و بعضی از آنها دوره تازه‌ای از مقررات را پیش‌بینی می‌کنند بی‌اینکه همیشه بگویند وضع مقررات تازه، دقیقاً چه شکلی خواهد داشت.

با توجه به این که تا آنجا که به رسانه‌ها مربوط می‌شود اصول متمم اول قانون اساسی آمریکا (مطبوعات آزاد، بیان آزاد) پیوسته مورد توجه و بررسی است، امروزه دادگاه‌ها به عنوان قدرت برتر در وضع مقررات برای رسانه‌ها پدیدار می‌شوند. درگیری مداوم دادگاه‌ها، موجب آشوب در محیط تجارت می‌شود؛ زیرا تصمیم‌ها ناگهانی گرفته می‌شوند و همیشه در

■ در قرن هیجدهم، صدراعظم فرانسه با کمک نزدیک به هشتاد سانسورچی که هر یک در رشته‌ای از اطلاعات و مطالب تخصص داشتند، نشریات را پیش از انتشار کنترل می‌کرد.

(وزارت دفاع آمریکا) در طول حکومت ریچارد نیکسون به وضع قانون مهم آزادی اطلاعات - بر مبنای این تصور که متمم اول قانون اساسی حق دانستن و همچنین حق صحبت کردن و انتشار را تضمین کرده است - کمک کرد. قوانین آزادی اطلاعات در کشورهای بسیاری، از جمله چند کشور اسکاندیناوی، وضع شده است اما در بریتانیا، محافل رسمی و دولتی همچنان بر این عقیده پای می‌نشانند که همه انواع اسناد دولتی باید محرمانه تلقی شوند و حتی کارمندی که اطلاعات حساس سیاسی را در اختیار روزنامه‌نگاران می‌گذارند باید زندانی شوند. شیوه آمریکا، الهام‌بخش جنبشی در روزنامه‌نگاری تمامی جوامع مردم‌سالار در جهت بازتر شدن بیشتر اطلاعات و محافل دولتی شد؛ اما در اوضاع و احوال دهه ۱۹۸۰ بیشتر شاهد شکست بود تا پیشرفت.

شرایط مطبوعات در اتحاد شوروی و جوامع متحد آن، در مقایسه با نظریه‌های رایج در کشورهای غربی، آموزنده است. روسیه،

فرآیند شکنجه‌آمیز استیفاف‌ها، اصلاح شده و تغییر می‌یابند. وقتی به جای کمیسیون فدرال از تساطات، دادگاه‌ها تصمیم‌های نظارتی را اتخاذ می‌کنند، سیاست منسجمی وجود ندارد و این امر، فضایی از سلاتکلیفی و بی‌ثباتی به وجود می‌آورد. یک موضوع، قطعی است و آن این که احتمال این که تصمیم‌های دادگاه‌ها، بیشتر از سیاست‌های FCC - که توسط ریگان منصوب شد - به نیروهای بازار (و شاید عقل سلیم) مربوط باشند بسیار کمتر است.

امروزه ضربه ناشی از دوشنبه سیاه اکتبر ۱۹۸۷ از یسار محافل مالی رفته است. شوروشوق همراه با بی‌خیالی روزهای اول مقررات زدایی، تا رونق بازار سرمایه مقررات زدایی شده دوام نیاورده است؛ زیرا بی‌ثباتی محیط اقتصادی و مالی، به مفهوم بی‌ثباتی سرمایه‌گذاری در صنعت رسانه‌ها نیز هست. اعتماد همه جانبه به مشاوران سرمایه‌گذاری و کارشناسان وال‌استریت به شدت از بین رفته و کارشناسان مالی روزنامه‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که:

صرف‌نظر از تأثیر مستقیم دوشنبه سیاه بر شرکتها، باقیمانده صدمات بازار سهام و اوراق قرضه بر صنعت، عمدتاً نگرشی از بدبینی بوده است. برنامه‌ریزی رشد در آینده، نیازمند جرأت

علی‌رغم برخورداری از تشکیلات پلیس مخفی فعال‌تر و سرکوبگری در قرن نوزدهم، قوانین مطبوعاتی خود را از فرانسه اقتباس کرده بود. با انقلاب ۱۹۰۵، سانسور قبل از انتشار لغو شد و پس از انقلاب بلشویکی، قانون اساسی جدید شوروی آزادی‌های فوق‌العاده‌ای به مطبوعات داد. اما استثنای ویژه - از جمله حمایت از سوسیالیسم و حزب کمونیست شوروی - به سرعت اعمال شد و پس از اندک مدتی به لغو آزادی‌های تضمین شده انجامید. شیوه شوروی که تعداد زیادی از جوامع در حال رشد از آن پیروی کردند بر مبنای این عقیده استوار است که دولت به عنوان نماینده، حقوق مردم و حزب - به عنوان ابزار کار مردم - باید کلیه شکل‌های ادبیات و اخبار مخالف را سرکوب کند. بر اساس نظریه‌های «لنین»، همه انواع رسانه‌های خبری برای ساختن جوامع جدید، ابزاری حیاتی هستند و آنهایی که فرمان‌های حزب را نادیده می‌گیرند به خاطر مایوس کردن «سوسیالیسم»، مقصودند.

و شهادت بیشتر خواهد بود. هیچ بازرگانی قادر نخواهد بود از پیش درباره یک برنامه «خروج» بر مبنای سفری به بازارهای مالی برنامه‌ریزی کند. و عده اندکی از آنها قادر خواهند بود با اطمینانی مشابه آنچه که خیلی‌ها قبل از دو شبیه سیاه داشتند بازارهای مالی را برای دریافت اعتبار متقاعد سازند.

مقررات‌زدایی، اداره امور مالی را در دست‌های ارتباطات و ارتباطات را در دست‌های اداره امور مالی قرار داده است؛ همگرایی دو بخش به شدت بین‌المللی شده در اوج تکنیک‌های شبکه، و پیشگام در فرآیند جهانی کردن بازار.

جست‌وجو برای نزدیکی این دو بخش از فرآیند مقررات‌زدایی، مانند یکی‌کردن دو جوی در یک رود است. در واقع، ادبیات معاصر تحلیلگران مسائل مالی آنقدر وجوه مشترک با ادبیات تحلیلگران صنعت ارتباطات و اطلاعات دارد که گویی مترادفند. تحلیلگران مسایل مالی در این مورد به ما می‌گویند:

در حال حاضر، شاهد استقلال روزافزون کارکرد مالی در یک سطح بین‌المللی و به عبارت دیگر قطع رابطه بین قلمرویی واقعیت و حوزه امور مالی هستیم. نتیجه، تضادی چشمگیر بین ریتم‌های قطع‌نشده نوآوری مالی

پس از جنگ جهانی دوم، آسیا و آفریقا با تغییرهای شدیدی مواجه شدند. پیش از آن نظام‌های ارتباطات در این قاره‌ها، و همچنین نظریه‌های حکومت در آنها، بیشتر در خدمت نیازهای قدرت‌های امپراتوری و استعماری قرار داشت. روزنامه‌ها، رادیوها، و دیگر وسایل ارتباطی، بیشتر متعلق به شرکت‌های خصوصی واقع در کشورهای امپراتوری بود. اساس همه جنبش‌های استقلال‌طلبانه بر روزنامه‌هایی استوار بودند که با سنت‌های جنبش‌های ملی‌گرای اروپا در قرن نوزدهم شکل گرفته بودند. با کاهش استعمارگری به ویژه پس از جنگ دوم، گروهی از کشورهای جدید با تصمیم‌های تنظیمی خاص خود روبرو شدند. بیشتر آنها کنترل‌های نفوذ انگیز حاکمان قبلی را کنار گذاشتند، ولی بعد خودشان قوانینی کاملاً مشابه را جانشین آنها کردند. مبارزه برای کسب مشروعیت و تحکیم اقتدار و جست‌وجو برای هویت ملی بخشی مهم در این فرایند ایفا می‌نماید و این مبارزه‌ها را که



و افزایش سریع در معاملات از یک جهت و رکود تولید، به‌ویژه در حوزه سرمایه‌گذاری صنعتی از طرف دیگر است. بنابراین، شاخص‌های بسیاری وجود دارند که به رشد فضای نظری و کیفی، اما غیر مولد مالی اشاره می‌کنند.

در این جهان، هر جا که آثار تخیل بر واقعیت فزاینده، فضای مالی و فضای ارتباطات، هریک به روش خود، بالاتر از پایگاه تولیدی، بدون اشاره به زندگی عینی و ملموس روزانه اکثریت عظیم مردم، شرایط بی‌ثباتی پیدا می‌کنند. هریک از آنها، به معاملات کاذب گسترده و خطرهای روزافزون شرایط بی‌ثبات و متغیر کمک می‌کنند.

■ در مدتی کوتاه، انقلاب

۱۷۸۹ فرانسه راه را برای

مطلبوعاتی کاملاً آزاد باز

کرد؛ به طوری که در مدتی

بسیار کوتاه ۵۰۰ نشریه

جدید انتشار یافت.

■ اساس همه جنبش‌های

استقلال‌طلبانه بر

روزنامه‌هایی استوار بودند

که با سنت‌های جنبش‌های

ملی‌گرای اروپا در قرن

نوزدهم شکل گرفته بودند.

پیوندها و گسیختگی‌ها

بی‌ثباتی برای بعضی‌ها، عین ثبات از نظر دیگران است. «وال استریت»، در یک روز ماه اکتبر، آنقدر دلار از دست داد که می‌شد با آن، بیشتر بدهی‌های خارجی کشورهایمانند: برزیل، مکزیک و ونزوئلا را تسویه کرد.

در این محیط‌های وحشی سرمایه‌داری، اصل مقررات‌زدایی چیز تازه‌ای نیست. این کشورها، مدت‌ها پیش این شیوه را آزمودند؛ زیرا این کار همیشه در مرکز شیوه دستیابی آنها به نوگرایی قرار داشته است. می‌توان به زیست بوم تهاجمی تبلیغات تجارتي در تلویزیون ونزوئلا که در دهه ۱۹۷۰ نسبت آگهیهای تلویزیونی آن ۶۱ درصد بیشتر از میزان متوسط شبکه‌های امریکای شمالی بود، نسبت تکثیر غیرمجاز کاست‌های سمعی و بصری که در مورد فیلم‌ها، گاهی به ۸۰ درصد بازار می‌رسد؛ تکثیر دیش‌های گیرنده، که به شروتمندان اجازه می‌دهد کانال‌های تلویزیون امریکای شمالی را تماشا کنند؛ و بی‌توجهی و سهل‌انگاری دولتی همدست در حمایت مالی و تبلیغات پنهانی؛ به علاوه سهولت رمزهای کار حرفه‌ای در این قلمروها اشاره کرد. در اینجا، موقعیتی نزدیک به معنی واقعی مفهوم «مقررات‌زدایی» وجود دارد: فضا و محیطی که فاقد هرگونه کنترلی،

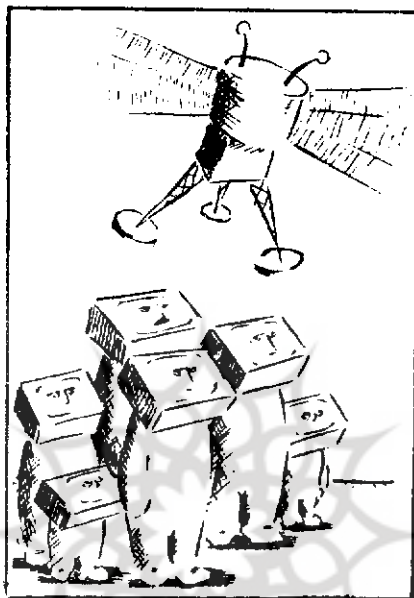
هنوز راه‌درازی‌ها را حل شدن در پیش‌ترتیب تشدید می‌کند.

بحث درباره مقررات‌زدایی

بحث مائوسور، تقریباً همیشه بخشی از بحث مفصل‌تر درباره مقررات‌زدایی توسط دولت بوده است. از دهه ۱۹۶۰ مقررات دولتی، صنعت ارتباطات در آمریکا به طور صریح با موضوع چگونگی حفظ و اجرای این اصول متمم اول قانون اساسی پیوند داشته است.

زمینه تاریخی برای درک صنعت مقررات‌زدایی، موضوعی جهانی است. این صنعت و اقتدارهای گوناگون دولتی، قرن‌ها به وسیله مقررات برای تجارت پرداخته‌اند. در این دوران مثال‌ها و نمونه‌های بیشماری موجود است: مقامات، قیمت‌ها و کیفیت بازارهای کربن در وسطی را کنترل می‌کردند. امپراتوری روم در قرن‌ها خدمات پیام‌رسانی تشکیل و مقرراتی وضع کرده که تمام منطقه اروپا را تحت کنترل خود داشت.

فاقد هر نوع مقررات مؤثر، حتی مقررات کمک به مقررات زدایی است. محیط مربوط به ابزار و وسایل رسانه‌ای، که کاملاً به حال خود و قواعد بازار رها شده، با واقعیت دیگری که ویژه دیدگاه ارتباطات است، تضاد دارد: شبکه‌های رادیو، ویدئو و «تله‌ماتیک»، یک جنبش مردمی است که در طول دهه ۱۹۸۰، ترس‌های قدیمی تکنولوژی را برطرف، و در عوض آن را با شرایط سازگار کرد. تضادی که برزیل را پس از دیکتاتوری، کاملاً فرا می‌گیرد و تسخیر می‌کند. دولت پریزیدنت سارنی (در برزیل)، درست همان لحظه بحث عمومی درباره قانون اساسی جدید، و بنابراین درباره گشودن فضای ارتباطی، به‌طور پنهانی مشغول توزیع امتیازهای رادیویی و تلویزیونی بین حامیان خود بود. بیش از ۶۰۰ امتیاز در کمتر از سه سال به آنان داده شد که بیشترین میزان در تاریخ پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی این کشور بود. مجمع ملی روزنامه‌نگاران (برزیل) در ژوئن ۱۹۸۸ برآورد کرد که با این وضع، دیگر عملاً هیچ موجی (فرکانسی) برای بخش خصوصی در پایان دوره پنج‌ساله ریاست جمهوری سارنی باقی نخواهد ماند. این وضع، هر تلاشی را برای تغییر منطق یک سیستم سمعی بصری - در جایی که گروه «گلوبو»



حدود دوسوم بازار سخت‌افزارهای ارتباطی را کنترل می‌کرد. تضعیف می‌کند.

بنابراین، اینس حالت مقررات‌زدایی همیشگی و اصیل، مانع از حالت «بازار بزرگتر»، دولت کوچکتر» که در این کشور امریکای لاتین نیز، که سه قدرت اول تلویزیونی و پنج بازار تبلیغاتی اصلی جهان سوم را در اختیار دارد، نمی‌شود. این واقعیتی بسیار پیچیده است. چون در اینجا، دولت دارای قدرتی اقتدارگرا از نظر سیاسی و خودکامه، و سانسورگر است و مردم از فقدان حکومت قانون و شایع بودن فساد و فامیل‌بازی رنج می‌برند.

علاوه بر فشار از محافل بازرگانی ملی که طرفدار آزادسازی اقتصادی بیشتر، فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی و تلویزیون‌های کابلی بیشتری هستند، دینامیک اعمال نظرهای خارجی هم وجود دارد. ضربه درمانی توسط بانک جهانی (توقف سیاست‌های حمایت اجتماعی و توزیع مجدد درآمدها) که در آن دشواری اجتماعی، با سیاست آزادگذاری در بازار همراه است، بازاری گرفتار بدهی، که طلب‌های بانکهای خارجی در آن، زیرقیمت دست به دست می‌شود. بدهی، به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های ملی تبدیل می‌شود. یک نمونه از این مورد، مکزیک است

■ حکومت «ریگان»، خدمات رادیو، تلویزیون، کابل، ماهواره و خدمات ارتباطات را به اجبار به بخش خصوصی سپرد و وظایف تنظیم‌کننده دولت را تا اندازه حمایت از دولت و تشویق نیروهای بازار آزاد کاهش داد.

وظایف تجاری با شکل‌های کاملاً پیچیده مقررات دولتی انجام می‌شد. در طول دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در ایالات متحده بحثی اساسی درباره منافع بین صنایع دارای مقررات و نظریه بازار باز (آزاد) در گرفت. در مورد صنایع دولتی و صنایعی که تحت مقررات فعالیت می‌کردند پیوسته این احساس وجود داشت که به حقوق مصرف‌کنندگان تجاوز می‌کنند؛ زیرا به خاطر موقعیت‌شان از تنش‌ها و التهابات رقابت معاف بودند. بحثی مشابه نیز در سراسر اروپای غربی و استرالیا در آستانه مخالفت ضدسوسیالیستی جدید آغاز شد. از نظر بسیاری از مردم مقررات ناکافی بود، در حالی که برای مثال در بریتانیا و فرانسه ضعف خدمات مربوط به تلفن زانثی از وجود انحصارهای دولتی و محافظت شده می‌دانستند. در ایالات متحده فشارهای روزافزونی برای تجدیدنظر در اختیارات و وظایف کمیسیون ارتباطات فدرال (FCC) به عمل می‌آمد. در مجامع ملی و صنعتی مانند:

ترکیه و لهستان تا دریای مانس در برمی‌گرفت و پوشش می‌داد. رؤسای پست اولیه مستعمرات امریکا مجبور بودند از روزنامه‌ها رونوشت بگیرند و آنها را به گروه‌های دورتر مستعمرات بفرستند. مقامات ژاپنی وجود روزنامه‌های نوشته شده روی کناشی را در قرن هفدهم تضمین کرده بودند. حکومت‌های «تودوره» و «استورات» در انگلیس برای طیفی از کالاهای اساسی، قیمت و میزان دستمزدها تعیین کرده بودند تا از مردم در برابر تورم غیرمجاز پشتیبانی و رفاه‌کارگران را تضمین کنند. در ایالات متحده، قانون «تیردیل» که «قانون ارتباطات» سال ۱۹۳۶ براساس آن تصویب و طرح‌های دولتی برای صنایع هواپیمایی و رانندگی براساس آن تصویب شده بود به مرحله اجرا درآمد. این قانون، در واقع ادامه شیوه‌هایی بود که در سراسر دوره سرمایه‌داری صنعتی وجود داشت و مدتها پس از آن نیز ادامه یافت. ساخت کانال‌ها و راه‌آهن‌ها، سازمان دادن بانک‌ها، انتشار پول، همه این

که در سال ۱۹۸۷ پس از امضای قراردادی به شدت غیرعادلانه برای بازپرداخت بدهی هایش به ایالات متحده، به منظور حل بحران در صنعت فیلم کشور، همه گونه تسهیلات مالی را به آمریکا ارائه داد. برای مثال، برای خرید گواهی های تبدیلی بدهی به ارزش ده میلیون دلار از دولت مکسیک، معروف به معاوضه سینمایی، تولیدکننده سمعی بصری خارجی (امریکایی) تنها نصف بهای آن، یعنی پنج میلیون دلار را می پردازد؛ اما می تواند از بیش از ده میلیون دلار خدمات استودیویی در مکزیک استفاده کند یا هنرپیشگان و تکنیسین های محلی را به کار گیرد.

در کشورهایی با سنت نیرومند بازرگانی مانند ونزوئلا، دوران هوس دولت برای تنظیم کار کانال های تلویزیونی کاملاً به سر رسیده است. علاوه بر یک کانال دولتی و دو کانال بازرگانی، در سال ۱۹۸۸ یک کانال بازرگانی دیگر و یک کانال پولی (دریافت برنامه در صورت پرداخت حق اشتراک) مورد بهره برداری قرار گرفت. موضوع مهم، ایجاد صنعتی محلی برای رقابت با مکزیک و برزیل بود. برای نخستین بار در تاریخ تلویزیون امریکای لاتین، صداگذاری و دوبله فیلم های

تلویزیونی امریکایی و برزیلی دیگر یک امتیاز انحصاری «تلویزامکزیکو» نبود و کاراکاس هم وارد این تجارت شده بود.

در بعضی از کشورها، که کانالهای مهم عمومی فعالیت دارند، فرستنده های خصوصی و کابلی به وسیله رژیم های گوناگون سیاسی مجاز شناخته شده اند. برای نمونه، آرژانتین دموکرات یکی از کانال های خود را در دسامبر ۱۹۸۷ خصوصی کرد، در حالی که شیلی ژنرال پینوشه، که یک کانال خصوصی و چهار کانال دانشگاهی داشت، اعلام کرد برای هشت کانال خصوصی امتیاز می دهد. به این منظور، سقف زمانی شش دقیقه آگهی در هر ساعت برداشته شد. با این حال، طرح خصوصی سازی به خاطر مخالفت کانالهای موجود و دولتی، و همچنین اختلافات در داخل خود رژیم، شکست خورد. شدیدترین مورد مقررات زدایی در «بولیوی» بوده است. در سال ۱۹۸۵، انحصار دولت بر اثر فوران ایستگاه های خصوصی عملاً تحت الشعاع قرار گرفت. طی چندماه، بیش از چهل فرستنده آغاز به کار کردند. همان طور که یک فیلمساز اهل «لاپاز» می گوید: «ظهور ناگهانی این همه فرستنده تلویزیونی در بدترین شرایط اقتصادی تاریخ بولیوی، در ابتدا متضاد و شگفت آور به نظر می آید. اما وقتی در نحوه

■ مقررات زدایی در امریکا از نظام بانکی (۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵) شروع شد و سپس شرکت های هواپیمایی (سال ۱۹۷۸)، حمل و نقل جاده ای و خط آهن (سال ۱۹۸۰) و در نهایت حمل و نقل بین شهری (۱۹۸۲) را دربرگرفت.

کار، مقرراتی می اثر است، زیرا از این زمان به جای بخش اطلاعات محلی، صرفاً برای بخش برنامه های سرگرمی استفاده می شد. نگرانی از این که چنین مقرراتی تأثیر چندانی نداشته باشد، به شکست تلاش های گروه های طرفدار منافع عمومی در سال های دهه ۱۹۷۰ کمک کرد تا سه شبکه را وادار کنند برنامه ریزی بهتر و بیشتری را برای گروه های ارائه دهند و آگهی های تجارتي را که کودکان مخاطب آنها هستند کاهش دهند یا حذف کنند. به تدریج، شرایط فکری علیه چنین مداخله هایی و به نفع استفاده آزاد از تلویزیون به وسیله کسانی که کنترل بالفعل بر آن را به دست آورده بودند آماده شد. ریشه های مشکل امریکا در مورد مقررات تلویزیون در گزارش ششم و دستور FCC آوریل ۱۹۵۷ نهفته است که سهمیه های قضای طیف به ۶۱۷ ایستگاه VHF و ۱۴۶۳ ایستگاه UHF - که هر دو در سال های بعد گسترش یافتند - را به وجود آورد. FCC ناخواسته مینا را برای سه گروه مشابه از ایستگاهها، که

برای کنترل محتوای رسانه ها منجر شد، به نام منافع عمومی، «نظریه بی طرفی» و «قانون زمان برابر» وضع شد که براساس آن می بایست به همه مسائل جنجالی با جمع بندی گزارش و شمول اجباری رسیدگی می شد. کمی بعد «قانون دسترسی به بهترین زمان بخش» شبکه ها را وادار کرد به ایستگاه های محلی اجازه دهند نیم ساعت اضافی در ساعات اولیه شب برای برنامه ریزی محلی در زمان پر بیننده داشته باشند. ولی خیلی زود معلوم شد که این

■ در بریتانیا تشکیلات وسیع ارتباطات و تلفن ملی، «بریتیش تلکوم»، در بازار بورس فروخته و انحصار تلفن آن شکسته شد.

گسترش های رادیویی اداری جهان مربوط به «اتحادیه بین المللی ارتباطات» (ITU)، سخنگویان امریکایی با قاطعیتی روزافزون علیه کنترل بیشتر دولتی و بین دولتی بر خدمات به سرعت در حال گسترش ارتباطات اعلام نظر کردند. مخالفت دولت امریکا، تا حد کناره گیری از ITU نرسید. اما در داخل ایالات متحده و کمی بعد در بریتانیا، حکومت های ریگان و تاجر خدمات رادیو، تلویزیون، کابل، ماهواره و خدمات ارتباطات را به اجبار به بخش خصوصی سپردند و وظایف تنظیم کننده دولت را تا اندازه حمایت اساسی از دولت و بخش عمومی و حداکثر تشویق نیروهای بازار آزاد کاهش دادند.

وجود حق رأی عمومی از طریق FCC در ایستگاه های رادیو و تلویزیون - که با محدودیت های طیف به عنوان یک منبع و نیاز ناشی از آن به «حفظ منافع عمومی» در کلمات قانون ارتباطات ۱۹۳۲ توصیه شده است - به نحوی تقریباً غیر قابل اجتناب به مداخله FCC

■ اقتصاددانانی که به نفع مقررات زدایی فعالیت می کنند معتقدند هدف آنها حذف هزینه هایی است که بر اثر مداخله های بدون دلیل مقام های دولتی به مصرف کننده تحمیل می شود.

فعالیت آنها دقیق شویم دیگر چندان شگفت آور نیست. بیشتر این فرستنده ها که زیرساخت فنی نامطمئن و مخاطره آمیزی دارند، به پرکردن برنامه های خود با فیلم های دزدیده شده از فرستنده های خارجی، معمولاً کانال های اسپانیایی زبان امریکای شمالی، یا فیلم هایی که از بازار قاچاق پاناما و میامی به دست می آورند، راضی هستند.

مقررات زدایی، پشت مقررات زدایی می آید همچنان که پول، به دنبال پول می آید. رشد تلویزیون در این کشورها، دست کم از نظر پخش - اگر نه تولید - به بالاترین میزان خود رسیده است. تماشاگر چهارمین شبکه بزرگ جهان، هرشب می تواند بین سه نمایش

به وسیله سه شرکت شبکه ای کنترل می شدند و قادر به سلطه و کنترل رسانه تلویزیون بودند و می توانستند به شدت از آن سود ببرند، فراهم ساخت. با تحمیل محدودیت های کاملاً مستبدانه و غیرضروری از نظر تکنیکی به پوشش تلویزیونی ملت، FCC نقش محدود کردن مجموع تعداد صداها و تصاویری را که عملاً در دسترس مردم بود بازی کرده بود. در این زمان، روساخت بازرسی و کنترل بیشتر - که در میان حجم زیادی از مراغه و دادخواهی تحمیل شده بود - اجتناب ناپذیر و حتمی شد.

در دهه ۱۹۸۰، ظهور زمینه و موقعیت مجموعه کاملاً جدیدی از امکانات تکنیکی - ویدئو، تلویزیون کابلی، ماهواره ها و سیستم های دیگر برای پخش علائم - شکل های پذیرفته شده مقررات را زیر سؤال برد. موقعیت سه شبکه فوق، که ظاهراً بیش از این تحت کنترل FCC قرار داشتند، به چالش طلبیده شد. در زمان «نیکسون» تهدیدهای بسیاری برای مداخله در پوشش خبری این

تلویزیونی تهیه شده توسط «گلوبو»، که تقریباً ۸۰ درصد برنامه های بعدازظهر و شامگاهی خود را می سازد، انتخاب کند. همین تماشاگر می تواند جنبه های زیبایی و هنر شناختی فرامردن آگهی های تجارته داخلی آن را (که اسپانیایی ها یا اسپانیایی زبان ها به آن Clips (بریده) می گویند، تحسین کند. اما سه چهارم مردم، از مدار حداقل مصرف حیاتی به چنان شدتی، دور افتاده و جدا شده اند که، به گفته یکی از کارشناسان اقتصادی یک روزنامه ریودوژانیرو، بازار تبلیغات تحت تسلط تلویزیون «از رشد باز ایستاده و متمرکز شده، و به زحمت توانسته است از هرسه برزیلی، یک نفر را به عنوان مصرف کننده کالاها و خدماتی که تبلیغ شان را می کند، جلب نماید».

فاصله روزافزون بین قدرت خرید مردم و آنچه که در تبلیغات تلویزیونی ارائه می شود کاملاً آشکار است. مجله «ورایتی» در مارس ۱۹۸۸ از بوئوس آیرس گزارش داد: «در حالی که تعداد تماشاگران تلویزیون در سال ۱۹۸۷ در پایتخت آرژانتین به بالاترین میزان رسید، فروش کالاهایی که برای آنها تبلیغ می شد ثابت ماند... علت این رابطه غیرعادی چیست؟».

آرژانتین با ۵۵ میلیارد دلار بدهی خارجی (این کشور هنوز دارد هزینه زادخانه ای را که

شبکه ها به عمل آمد؛ حامیان آنها می گفتند، شجاعت تهیه کنندگان حرفه ای خیر، و نه ترس از بازار باز، و در حمایت از محتوای اخبار علیه فساد سیاسی موفق شده بودند.

در اواسط دهه ۱۹۸۰ از نظارت همیشگی FCC بر کار رادیو به شدت کاسته شد. به تلویزیون های کابلی آزادی عمل بیشتری داده شد، زیرا آنها در معرض کنترل های مشابه ایستگاه های تلویزیونی، که به طیف امواج رادیویی تنظیمی FCC وابسته بودند، قرار نداشتند. استفاده روزافزون از دستگاه های ویدئو در منازل به این معنی بود که بینندگان می توانند خود را از طرح تنظیمی برنامه ها خلاص کنند. مدیران متوالی FCC قبول کردند که تنها از طریق تنوع بیشتر و رقابت بازتر می توان بهتر به مصرف کننده خدمت کرد. آنها پذیرفتند که فرایند ایجاد، توجیه و اجرای مقررات جدید، به قدری آهسته است که یک قانون جدید، پیش از این که به اجرا در آید منسوخ شده است.

در جنگ مالویناس (فالکلند) از دست داد. می پردازد)، هر سال باید چند میلیارد دلار دیگر از خارج قرض کند تا بهره بدهی هایش را بپردازد و دیگر پولی برایش باقی نمی ماند تا برای توسعه و مدرن کردن کشور خرج کند. اقتصاد کشور را کد است و هر چند، عده اندکی در بازارهای مالی ثروتمند می شوند، ولی بیشتر مردم برای کنار آمدن با تورم، چاره ای غیر از سفت کردن بیشتر کمر بندهایشان ندارند و بسیاری از آنها ناچارند به خاطر نداشتن قدرت خرید در خانه بمانند. آنها به تلویزیون نگاه می کنند اما نمی توانند کالاهایی را که در تلویزیون آگهی می شود، خریداری کنند.

(این گزارش مجله «ورایتی»، نشریه اقتصادی برجسته دنیای رسانه ها است که قطعاً، هدفش براندازی و خرابکاری نیست.)

فاصله ایجاد شده بین مردم عادی و الگوهای زندگی، که توسط رسانه ها و تبلیغات ارائه می شود به قدری زیاد است که «تلویزا» شرکت عظیم چند رسانه ای مکزیکی تصمیم گرفته است برنامه های خود را «اخلاقی» کند. کارگردان های این شرکت تصمیم گرفتند در فیلم های خود برای این کشور، با سنت های متمرکز و پدر سالارش، از صحنه های جنسی و خشن کم کنند، (براین اساس «تلویزا» از خرید

وضع قانون توسط FCC به قلمرو سراسر صنایع مشابه مانند هالیوود گسترش یافت، به طوری که شرکت های فیلم سازی آن از مالکیت مستقیم شرکت های تلویزیونی منع شده بودند. به تدریج که جنبش مقررات زدایی از صنعتی به صنعت دیگر (خطوط هوایی، ارتباطات) گسترش یافت، قوانین حاکم بر اداره و محتوای برنامه های تلویزیون انعطاف پذیرتر شد. تا پایان قرن، تحت تأثیر پیشرفت های تکنولوژیک و دگرگونی ایدئولوژیک در

■ اقداماتی که برای

«مقررات زدایی» در یک

جامعه اعلام می شد در

جامعه ای دیگر، عین

«مقررات» به نظر می رسید.

و نمایش سریال امریکایی «فساد میامی» خودداری کرد. البته کانال دولتی، این سریال را پخش کرد! و در سریال‌ها و نمایش‌های مردم‌پسند خود «پیام‌های آموزشی» بگنجانند؛ البته پیام‌هایی بسیار کوتاه، تا حالت شعاری و معلم‌گونه پیدا نکند. هدف این پیام‌ها، با استفاده از نمایش، شخصیت‌ها و دکور مناسب، بالا بردن آگاهی اجتماعی در مورد طیف گسترده‌ای از مسائل (تنظیم خانواده، بهداشت، آلودگی محیط زیست، ویرانگری اوباش و غیره) بود. «تلویزیون» در طول سال‌های دهه ۱۹۷۰ با استفاده از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، برنامه‌هایی به‌منظور کمک به کنترل موالیید تهیه کرده بود. این برنامه‌ها به قدری موفق بود که هند از آن پیروی کرد.

در پرونده معرفی این گروه، عهد زاهدانه زیر را می‌توان مشاهده کرد: رد کردن طبقه‌بندی طبقات اجتماعی براساس الفبا، که مستلزم نگرستن از یک دیدگاه مجرد به مردم، به عنوان مصرف‌کننده است، و در عوض پذیرفتن مفهوم مخاطبانی است که نه براساس قدرت خرید خود، بلکه براساس اصول و ضوابط ارتباطات تقسیم شده‌اند، زبانی که به آن خو گرفته، از جمله گفتار، آموزش، عادات و سنن، جهان‌بینی، اصول اخلاقی؛ و بنابراین دربارهٔ

واشنگتن، دسترسی به خدمات پخش و مالکیت تلویزیون‌ها به همان راحتی و تنوعی خواهد شد که در قرن نوزدهم در مورد روزنامه‌ها وجود داشت.

در اروپا، نتیجه غیرمستقیم ایدئولوژیکی بحث امریکا، بحث‌هایی درباره اجرای تکنولوژی‌های جدید را برانگیخت. کمیابی فضای طیف، مدتها بود که از جمله دلایل برجسته برای حفظ انحصارها یا «انحصار دوگانه فروش» در خدمات رادیو و تلویزیون ملی جوامع اروپایی عنوان شده بود. این موضوع در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به‌طور مکرر به چالش طلبیده شد. در بریتانیا تشکیلات وسیع ارتباطات و تلفن ملی، «بریتیش تله‌کوم»، در بازار بورس فروخته و انحصار تلفن آن شکسته شد. وجود مؤسسه‌های پخش خبر دارای مقررات یا چارت ملی مانند BBC در انگلستان، RAI در ایتالیا، و ARD و ZDF در آلمان نیز به چالش طلبیده شدند. در ایتالیا در اوایل دهه ۱۹۷۰

■ گروه کوچکی از شرکت‌ها، به نحو فزاینده‌ای بر بازارهای مقررات زدایی شده تسلط پیدا کرده‌اند. اگر این وضع ادامه یابد، مقررات زدایی ممکن است همان رقابتی را که قرار بود موجب افزایش آن شود به‌کلی از بین ببرد.

■ با لغو ممنوعیت‌ها، وال‌استریت (مرکز بورس و معاملات پولی امریکا) به صنعت سمعی و بصری نزدیکتر شد.

کرده بود آرایشان را خریداری کند، به شدت به لرزه درآمد. یک روزنامه‌نگار مکزیکی در این مورد چنین نوشت:

چه بی‌حاصل و ترحم‌انگیز، آن هم در شرایطی که تمام هزینه‌های آن از خزانه دولت پرداخت می‌شود! همهٔ مخارج تبلیغات، حمل‌ونقل، تورسم و... اتلاف ساده و محض وقت، خریدن زمان تلویزیون، هزینه مکالمه‌های تلفنی نامردها با مردم، فریب کامل روزنامه‌نگاران، مزایای جنبی که به آنان داده می‌شد... همه برای چه؟ برای هیچ. زیرا هزاران نفری که این مزایا را می‌گرفتند از اهانت به شرف‌شان انتقام گرفتند و علیه حزب حاکم رأی دادند. □

گسترده‌ترین اصول و گداهای ارتباطی ممکن تحقیق کند تا ارتباطات و جواب را بهبود بخشد، و از مدارهای مستقر برای ارسال پیامی که غنی‌تر و از نظر اجتماعی آگاهانه‌تر از فروختن صرف است، استفاده کند.

اما در ژوئیه ۱۹۸۸ بازتاب واقعیت به‌صورت ضربه‌ای پدیدار شد. در کشوری با بالاترین میزان تمرکز در صنعت تلویزیون در سراسر جهان، که از جمله بیست سرمایه‌گذار عمده در امور تبلیغات است اما از نظر هزینه سرانه آموزش، مقام شصت و نهم جهان را دارد، حزب حاکم - یعنی «حزب نهادی انقلابی» - که از سال ۱۹۲۹ در هر انتخاباتی ۹۹ درصد آرا را به دست آورده، به وسیله همان مردمی که سعی

دادگاه قانون اساسی انحصار RAI را شکست و در میان حیرت دیگر سازمان‌های تلویزیونی اروپا، انبوهی از ایستگاه‌های تلویزیونی کاملاً آزاد تأسیس شدند. اما در طول یک دهه فرانسه، تمام کشورهای اسکاندیناوی، آلمان، بلژیک، هلند، و بریتانیای کبیر، همگی در کانون جنجال سیاسی بر سر اختصاص ایستگاه‌های کابلی، ایستگاه‌های رادیو، و کانال‌های ماهواره‌ای - و حتی بر سر این که آیا به جمع‌آوری هزینه‌های جواز دستگاه‌های تلویزیون بینندگان، که دریافت انحصاری آن از مدتها پیش به حفظ منابع خلاقه و قدرت سازمان‌های ملی تلویزیون کمک کرده بود، ادامه دهند و چگونه این کار را بکنند - قرار داشتند. در هریک از این جوامع، منافع جدید، که گاهی از جهان مطبوعات، و گاهی از سینما پدیدار می‌شدند، آماده بودند تا به بازار تصاویر متحرک محلی وارد شوند.

در حالی که معنی و مفهوم «مقررات» کاملاً روشن نبود، واژه «مقررات‌زدایی» مفاهیم

گوناگونی به خود می‌گرفت. اقداماتی که برای «مقررات زدایی» در یک جامعه اعلام می‌شد در جامعه‌های دیگر، عین «مقررات» به نظر می‌رسید. آنچه که در حال وقوع بود کاربرد همان نظریه بازار آزاد در شرایط متفاوت و گوناگون بود. تحت چارچوب آمیزه‌ای از بحث و اصلاحات، تغییرات عظیم سرمایه از بخش عمومی به بخش خصوصی صورت گرفت و در همان حال دولت مقدار زیادی از کنترل خود را بر سرعت و حالت تنوع تولید و شیوه‌ها و سطوح تأمین منابع مالی حفظ کرد.

قبل از پایان قرن، بی‌بردن قطعی به این امر که آیا در نتیجه طرح بزرگ مقررات‌زدایی ایدئولوژیکی بین‌المللی، مقررات دولتی عملاً افزایش یافته یا کاهش پیدا کرده است ممکن نخواهد بود. □